

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ سپتمبر ۲۰۲۴

## تبلیغ "نبرد فرهنگ ها و اسلام هراسی" همچنان در جهت منافع امپریالیستی غرب ادامه دارد

امپریالیسم جهانی، به ویژه امریکا پس از جنگ جهانی دوم جهت مبارزه با کمونیسم و جلوگیری از نفوذ و گسترش روز افزون آن در میان کشورها و توده های مردم جهان برنامه ریزی وسیعی نمود. از یکطرف با به راه انداختن جنگ سرد به مقابله سیاسی، نظامی و اقتصادی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پرداخت و از جانب دیگر با تبلیغات سوء و گوش خراش کمونیسم را هیولائی آدمخوار در اذهان جلوه داد.

امپریالیست ها در هر دوره ای نیاز به "دشمن نمائی" کشور یا کشورهائی- دارند، تا افکار عمومی کشور خویش را از بحران، بیکاری، بیخانمانی، فقر، استثمار و ناحقی های دیگر منحرف ساخته و به دشمنی خارجی معطوف دارند. در نخستین سالهای پس از جنگ جهانی دوم گرچه تبلیغات به طور عمده متوجه اتحاد شوروی سوسیالیستی بود، ولی کشورهای دیگری که قصد آزادی (حتی نسبی) از یوغ امپریالیسم و حفظ استقلال خویش را داشتند- و در این راه از حمایت مادی و معنوی شوروی سوسیالیستی برخوردار بودند- از قلم نمی افتادند.

با تغییر ماهیت اتحاد شوروی از حدت و شدت تبلیغات سوء علیه آن کاسته شد و بتدریج جای خود را به همکاری و همگامی داد. تا این که بالاخره با فروپاشی شوروی و اقمارش دیگر نیازی به تبلیغات گذشته نبود. زان پس نظریه پردازان امپریالیسم برای آن که بتوانند شیوه گذشته را اعمال کنند به دنبال "دشمن نمائی" جدید رفتند.

در این دوران امریکا برای آن که بتواند دکترین "نظم نوین" خود را حُقنه کند، به هر جا که تصمیم گرفت نیروی نظامی گسیل دارد و به هر کشوری که علیه سلطه وی قد علم کرد تجاوز نظامی کند و... می باید زمینه را در افکار عمومی از قبل آماده سازد. از اینرو نظریه پردازان امپریالیسم ابائی نداشته و ندارند که زیرکانه به افکار ناسیونالیستی و نژادپرستانه دامن زنند. آنها معتقدند که امروز دیگر این ایدئولوژی ها نیستند که در مقابل هم صف آرائی می کنند، که تمدن ها با فرهنگ های گوناگون اند که در مقابل هم ایستاده اند. امروز باید به مخالفان نام و نشان تازه ای داد و با تعیین، تبیین و تعریف جدید، جو عمومی را علیه آنها برانگیخت. هر کشوری که نخواهد یوغ امپریالیسم را برگردن نهد، مَهر جدیدی بر پیشانی اش می کوبند تا حملات، دسایس و توطئه های خود را علیه او توجیه کنند.

مقابله با کمونیسم فعلاً از آنچنان اهمیتی برخوردار نیست، لذا باید مسأله جدیدی ابداع کرد. مقابله تمدن های مختلف و با فرهنگ های گوناگون مُد روز شده است. کنفسیوس، اسلام، بودا و ... در یک طرف، فرهنگ مسیحیت باختر در طرف دیگر. به دیگر سخن مقابله فرهنگ "متمدن" با فرهنگ "وحوش" در دستور روز قرار گرفته است.

"ساموئل هانتینگتون Samuel Huntington ، استاد دانشگاه هاروارد در امریکا که به "پیشگوی بحرانیهای جهان" معروف است، در کتاب ششصد صفحه ئی خود تحت عنوان "نبرد فرهنگها" حتی اتحاد بلوک های اسلام و کنفسیوس را پیشگویی کرده و معتقد است که این اتحاد در بدترین حالت باعث وقوع جنگ جهانی سوم خواهد شد. البته او اسلام را خطرناکتر جلوه داده و به غرب هشدار می دهد که خود را از آن بر حذر دارد.

روزنامه "فورانس آیرس" که مدت سه سال "نبرد فرهنگ ها" نوشته "هانتینگتن" را (که اکنون به صورت کتاب انتشار یافته) به صورت پاورقی منتشر کرد، در سال ۱۹۴۷ نظریات "جورج کنن" یکی از کارمندان عالیرتبه وزارت امور خارجه امریکا را که تئوری مقابله با نفوذ شوروی و دامن زدن به جنگ سرد را عرضه می کرد، نیز منتشر ساخته بود.

همانگونه که در بالا اشاره رفت "هانتینگتن" معتقد است که زمان مقابله ایدئولوژی ها به سر آمده و جای خود را به بلوک بندی فرهنگ ها داده است. بلوک فرهنگ غرب در مقابل فرهنگ چینی کنفسیوس و اسلام. به سایر فرهنگ ها هندوها، امریکای لاتینها و افریقانیها نقش جنبی داده است. بررسی کوتاه این تقسیم بندی ها نشان می دهد که مبلغان امپریالیسم برای آماده سازی افکار عمومی چه زیرکانه عمل می کنند. در تقسیم بندی فوق طبیعی است که از غرب، امریکا، کانادا و اروپای غربی مستفاد می شود.

او به امریکای لاتین، هند و افریقا نیز نقش جنبی داده است، چون نه از آن چنان قدرت اقتصادی برخوردارند و نه از آنچنان ذخائر عظیم نفتی. لذا تمرکز بر روی اسلام و بعد کنفسیوس، به دیگر سخن کشورهای نفت خیز و چین در حال رشد.

چرا کنفسیوس برجسته می شود؟ کنفسیوس از چین می آید. رهبران امروزی چین نیز از کمونیسم روی برتافته و به کنفسیوس روی آورده و راه سرمایه داری را با شتاب هر چه تمامتر طی می کنند. به دیگر سخن چین کشوری است بابتش از یک میلیارد جمعیت، کشوری مستقل از امپریالیست های امریکائی و اروپائی و مخالف سیاستهای هژمونی طلبانه آنها. این کشور هم اکنون با رشد اقتصادی غول آسا در حال تبدیل شدن به یکی از قطب های عظیم جهانی است. این کشور در عین حال می کوشد که با کشورهای دیگر آسیای جنوب شرقی بلوک قوی اقتصادی به وجود آورد. طبیعی است که امریکا به این غول در حال رشد به مثابه رقیبی خطرناک می نگرد و باید از هم اکنون زمینه های مقابله با آن را در افکار عمومی کشور خود آماده سازد.

در مورد اسلام "هانتینگتن" به غرب هشدار می دهد که حتی کشورهای اسلامی غیر بنیادگرا نیز خطر بالقوه اند، زیرا که آنها اسلام را دین برتر می دانند، ولی در مقابل قدرت غرب خود را ضعیف می یابند. او در عین حال به غرب هشدار می دهد که مسلمانان تولید نسلشان بیشتر است در واقع به این مسأله از دیدگاه نژادی برخورد می کند. چرا؟ برای آن که در غرب مسیحی تولید نسل در حال افول است و او از این می ترسد که مبدا روزی نسل غربیها منقرض شود و در عوض مسلمانان در اثر تولید نسل زیاد، تعدادشان افزایش یابد و بر اقلیت مسیحی غلبه کنند. آیا تفاوتی میان این افکار برتری نژادی با افکار نازیها وجود دارد؟ بی جهت نیست که "ویلیام فاف" کارشناس امور خارجه امریکا به نوشته های "هانتینگتن" به مثابه حربه ای در "نبرد نژادها" اشاره می کند.

تبلیغات علیه اسلام و دشمن نمائی آن در مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی امریکا که بعضاً جنبه ناسیونالیستی افراطی و راسیستی به خود گرفته است، به این دلیل صورت می گیرد که در کشورهای اسلامی مخالف امریکا نظیر یمن، لبنان، لیبیا، مصر، افغانستان، عراق، ایران... منابع عظیم طبیعی خوابیده و به لحاظ ژئوپولیتیک نقش مهمی در منطقه ایفا می کنند. همانگونه که امریکا با تبلیغات ضد کمونیستی، حمله به ویتنام و کوریا را توجیه می کرد، امروز نیز با تبلیغات ضد اسلام، حمله به ممالک اسلامی را توجیه می کند و در عین حال زمینه تدارک حمله به ایران که به زیر یوغ امریکا نمی رود و یا سایر کشورها را نیز فراهم می سازد.

واقعیت اینست که نظریه پردازان امپریالیسم "جنگ فرهنگ ها" را نه به خاطر حرمت مسیحیت و دفاع از آن به راه انداخته اند، بلکه هدف تثبیت هژمونی امریکا بر مناطق نفت خیز کشورهای اسلامی و بر اقتصاد جهانی است و نه چیز دیگر.

مادامی که "کشورهای در حال توسعه" در مقابل زورگویی ها و سلطه جوئی های امپریالیسم مقاومت می کنند، تبلیغات منفی علیه فرهنگ ها قطع نخواهد شد. البته اخلاق دوگانه، بهتر بگوئیم منافع امپریالیسم ایجاب می کند که مثلاً در رقابت با اروپا در "بوسنی" به "کمک" مسلمانها بشتابد ولی در عراق یا یمن و فلسطین مسلمانان را نابود کند.

شکی نیست که دین اسلام در جوامعی مانند ایران باعث عقب ماندگی گشته است ولی قدر مسلم این که مخالفت امریکا با اسلام که در چارچوب "نبرد فرهنگ ها" مطرح می گردد، نه برای نجات مردم ایران از چنگال اسلام عقب گرا که برای چنگ اندازی بر مواد خام و بازار آن است. والا عربستان سعودی، این نوکر امریکا قوانین اسلام را از ملامت مرتجع ایران بیشتر به کار می بندد.

\*\*\*\*\*